

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مجله براساس مجوز شماره ۲۳۷۰۸۶/۱۸/۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ از کمیسیون محترم بررسی نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی می‌باشد و براساس ارزیابی سال ۱۳۹۸ کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه کیفی «ب» می‌باشد.

این مجله با مجوز تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۴ به شماره ثبت ۲۳۸۳۱ هیات نظارت بر مطبوعات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با روش علمی و گستره توزیع بین‌المللی در دانشکده هنر دانشگاه بیرجند منتشر می‌گردد.

صاحب امتیاز: دانشگاه بیرجند با همکاری انجمن علمی فرش ایران  
مدیر مسئول: دکتر علی زارعی، استادیار دانشگاه بیرجند  
سردبیر: دکتر زهرا رهبرنیا، دانشیار دانشگاه الزهراء  
جانشین سردبیر: دکتر محمدعلی بیدختی، استادیار دانشگاه بیرجند  
مدیر داخلی: وحیده حسامی، عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

### هیات تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر مجتبی انصاری
دانشیار دانشگاه بیرجند	دکتر حسین بارانی
دانشیار موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی جهادکشاورزی	دکتر سیدجلال‌الدین بصام
استاد تمام دانشگاه بیرجند	دکتر محمد بهنام‌فر
استاد تمام دانشگاه الزهراء	دکتر ابوالقاسم دادور
دانشیار دانشگاه الزهراء	دکتر زهرا رهبرنیا
دانشیار دانشگاه بیرجند	دکتر اکبر شایان‌سرشت
استاد تمام دانشگاه آزاداسلامی	دکتر محمود طاووسی
استاد تمام دانشگاه سیستان و بلوچستان	دکتر علیرضا طاهری
دانشیار دانشگاه بیرجند	دکتر ابراهیم محمدی
استاد تمام دانشگاه تهران	دکتر حکمت‌الله ملاصالحی
دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران	دکتر حسن هاشمی زرج‌آباد

ویراستار فارسی: دکتر بهارک ولی‌نیا، دکتری زبان و ادبیات فارسی

ویراستار انگلیسی: دکتر زهرا حسامی، دکتری تخصصی آموزش زبان انگلیسی

ویراستار فنی: دکتر هما مالکی، استادیار دانشگاه بیرجند

زبان انتشار نشریه: فارسی

قالب انتشار: چاپی - الکترونیکی

طراح نشانه نشریه: امیرحسین حسینی

طراح جلد و صفحه‌آرا: عالیه قاسمی

ناشر: انتشارات چهار درخت



نشانی نشریه و تلفن تماس: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان دانشگاه، دانشکده هنر / ۳۲۲۲۷۲۲۵-۰۵۶

شماره دفتر مجله: ۳۲۲۲۷۱۷۵-۰۵۶

پست الکترونیکی: [Niamag@birjand.ac.ir](mailto:Niamag@birjand.ac.ir)

سامانه ثبت و ارسال مقالات: <http://niamag.birjand.ac.ir>

نمایه‌های پایگاه‌های اطلاعاتی:



مقالات مندرج لزوماً بیانگر نظرات این مجله نیست و مسؤلیت مقالات به عهده نویسندگان محترم است.  
استفاده از مطالب و تصاویر مجله با ذکر مأخذ، بلامانع است.

## فهرست مقالات

- ۴ ■ مقایسه شیوه تصویرگری فرشتگان «اسرافیل، جبرئیل و میکائیل» در سه نسخه از کتاب *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات* قزوینی زهره آقاجانزاده، علیرضا طاهری
- ۱۷ ■ مطالعه و تحلیل تزیینات معماری مسکونی اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی شهر مهاباد اسماعیل سلیمی، جمیله صلح‌جو، حسن کریمیان
- ۴۱ ■ مطالعه تحلیلی نقوش گیاهی بر آبگینه در سده پنجم و ششم هجری ایران پریسا محمدی، سیدرضا حسینی
- ۵۴ ■ مقایسه تطبیقی - تحلیلی نقش سفالینه بر دیوارنگاره‌های دوره صفویه با سفال‌های این دوره با تمرکز بر نقوش کاخ چهلستون اصفهان محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار، یوسف قاسمی قاسموند
- ۷۱ ■ بررسی الگوهای تزیینی و روند آرایه‌های معماری بناهای دشت بر خوار در دوره اسلامی عباسعلی احمدی
- ۸۸ ■ بررسی و تحلیل نقوش تزیینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر اکبر شریفی‌نیا، طیبه شاکرمی، رؤیا ارجمندی
- ۱۰۴ ■ بررسی الگوهای ساختاری فرم/نقش ترنج در منسوجات دوره صفوی فائزه جان‌نثاری، بهاره تقوی‌نژاد
- ۱۱۹ ■ تطابق مضامین نقوش تزیینی در دیوارنگاره‌های حمام مهدی‌قلی‌خان مشهد و سه پارچه قلمکار دوره قاجار مریم مونس‌سرخه، سارا حسین‌زاده قشلاقی
- ۱۲۸ ■ توصیف و تحلیل پوشاک جنگاوران در نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ هـ ق پاریس نفیسه زمانی، فرزانه فرخ‌فر
- ۱۴۴ ■ بررسی هنر آینه‌کاری در رواق دارالسیاده حرم امام‌رضا (ع) میثم جلالی
- ۱۵۵ ■ واکاوی شکل‌گیری نقوش هندسی شکسته در کاشی‌کاری‌های مسجد جامع اصفهان فاطمه قنبری شیخ‌شبان‌ی، مریم قاسمی سیجانی
- ۱۷۰ ■ سبک‌های تصویری غالب در نگاره‌های مرقع گلشن خشایار قاضی‌زاده، سحر شفائی
- ۱۹۸ ■ فهرست چکیده‌های انگلیسی

## توصیف و تحلیل پوشاک جنگاوران در نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ هـ.ق پاریس\*

(صفحه ۱۴۳-۱۲۸)

نقیسه زمانی<sup>۱</sup>، فرزانه فرخ‌فر<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور (نویسنده مسئول)

۲- دکتری تخصصی پژوهش هنر، استادیار دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور

### چکیده

در تاریخ سیاسی ایران، طبقه جنگاوران، همواره به عنوان یکی از طبقات مهم شمرده می‌شد. پژوهش در فرم پوشش جنگاوران، اطلاعاتی را ارائه می‌دهد که در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی مفید است و علاوه بر آن در حوزه هنرهای کاربردی و نمایشی نیز به کار می‌آید. نسخه ۹۵۳ هـ.ق موجود در کتابخانه ملی پاریس، از جمله نسخه‌ای است که با ابعاد بزرگ و درشت‌نمایی در ترسیم فیگورها، توسط زبده‌ترین نگارگران خلق شده و بیشترین تعداد نگاره‌های آن مربوط به طبقه جنگاوران است. بررسی پوشاک به تصویر درآمده در این طبقه، می‌تواند علاوه بر بازشناسی الگوی پوشاک جنگ عصر صفوی، به تأثیر روایت شاهنامه، سنت نگارگری و دیگر جریان‌هایی که بر مصورسازی جامگان نفوذ داشته‌اند، بپردازد. نتایج کلی پژوهش، بیانگر آن است که نگارگری روایی نقش بسزایی در نمایش پوشاک جنگاوران در صحنه‌های حماسی شاهنامه داشته است و نگارگران از پوشاک به عنوان نمادی در جهت نمایش اوضاع سیاسی و نظامی استفاده کرده‌اند. مقاله حاضر از حیث ماهیت، بنیادی-کاربردی، از نظر روش، تاریخی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای-اسنادی است.

واژه‌های کلیدی: صفوی، نگارگری، شاهنامه ۹۵۳ هـ.ق، پوشاک، جنگاوران.

1- Email: N.z3668@gmail.com

2- Email: farrokhfar@neyshabur.ac.ir

\* (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸)

این نوشتار، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته پژوهش هنر با عنوان «توصیف و بررسی پوشاک در شاهنامهء دستنویس ۹۵۳ هـ.ق پاریس» است که توسط نقیسه زمانی و به راهنمایی دکتر فرزانه فرخ‌فر در دانشگاه نیشابور تابستان ۱۳۹۶ به انجام رسید.

## مقدمه

از میان ادوار تاریخی ایران دوره صفویه به عنوان دوره شکوفایی هنر و فرهنگ یاد می‌شود که متأثر از نوع حکمرانی حاکمین می‌باشد. آنچه در منابع مکتوب چون سفرنامه دلاواله آمده، بیانگر آن است که پوشش اهمیت ویژه‌ای در عصر صفوی داشته است؛ به طوری که مناصب مختلف با توجه به نوع پوشش آن‌ها مشخص می‌شدند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۳). یکی از این مناصب مهم طبقه جنگاوران بوده‌اند که حافظ مرزهای سیاسی صفویان به شمار می‌رفتند. درجه بالای اهمیت این طبقه بی‌شک در پوشش آن‌ها نیز نمودار گشته است. برای بررسی پوشاک جنگاوران صفوی به دلیل نبود دوربین عکاسی با کمبود منابع تصویری روبه‌رو هستیم. تنها موارد مورد استناد که تصویری را پیش‌رو بگذارند، نسخ مصور این عهد می‌باشند. در میان نسخ ممتاز مصور این عهد، شاهنامه ۹۵۳ ه.ق، توسط زبده‌ترین هنرمندان مکتب تبریز مصور گردیده که با ۴۹ نگاره به بازنمایی جنگاوران و رزم‌آوری‌هایشان اختصاص یافته است. بررسی‌های اجمالی نشان از آن دارد که نگارگران نسخه مذکور، طبقه جنگاور را با پوششی به تصویر کشیده‌اند که فارغ از مقام و مناصب نظامی عصر صفوی است. همین نکته، انگیزه مهمی را در این پژوهش فراهم ساخت تا خوانش این جامگان و ریشه‌های تصویری آن‌ها با دقت دنبال شود. پرسش این است: پوشش جنگاوران در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پاریس چه ویژگی‌هایی را به نمایش می‌گذارد؟ فرضیات پژوهش بر این نکته استوارند که احتمالاً نگارگران این نسخه، تحت تأثیر نگارگری روایی بوده‌اند؛ چرا که از پوشاک، جهت نمایش مقصود خویش بهره برده و به دنبال آن از ترسیم فرم‌های مختلف پوشاک نظامیان فاصله گرفته‌اند. هدف از این پژوهش شناسایی چگونگی پوشش طبقه جنگاور در نسخه شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پاریس است. همچنین سنجش میزان تأثیرگذاری نگارگری روایی و نمادگرایی در نمایش پوشاک جنگاوران مدنظر می‌باشد.

## روش تحقیق

مقاله حاضر از حیث ماهیت، بنیادی-کاربردی، از نظر روش، تاریخی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای-

اسنادی است. جامعه بررسی را ۱۰ نگاره منتخب از مجالس رزم شاهنامه مذکور تشکیل می‌دهد.

## پیشینه تحقیق

موضوع پوشاک تاریخی بارها مورد مطالعه قرار گرفته و در اکثر تحقیقات این حوزه، به پوشاک جنگاوران نیز در کنار پوشش دیگر طبقات اجتماع، اشاره شده است. از جمله پژوهش‌های مرتبط، مقاله «پوشاک دوران صفویان و قاجاریان» از سری مقالات چاپ شده در حوزه پوشاک در کتاب پوشاک در ایران زمین می‌باشد. نویسنده به کلیه پوشاک این دوره می‌پردازد و به تصاویر و متون ادبی بازمانده از عصر صفوی استناد می‌کند اما در این میان نام یا نگاره‌ای از شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس مشاهده نمی‌شود (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

مقاله دیگر «بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز» می‌باشد که در آن توصیفی از پوشاک جنگاوران با توجه به نگاره‌های مکتب هرات و تبریز آورده شده است گرچه مقاله مذکور اطلاعاتی را در زمینه پوشش رزم دوره صفویان می‌دهد اما در منابع مورد استناد آن، نامی از شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس نمی‌باشد (زارعی و دولتی، ۱۳۹۶: ۷۱). از دیگر پژوهش‌های انجام شده در حوزه پوشاک صفویه که در آن پژوهشگر به پوشش مناصب نظامی نیز توجه داشته مقاله «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان» است که در آن نیز به نگارگری استنادی نشده است (نقوی و مراثی، ۱۳۹۱: ۱). پژوهشگر کتاب *رزم‌نامه کنیزک* با محوریت پوشش نبرد رستم، به نگاره‌های نسخ مصور شاهنامه استناد کرده است. در این میان نام نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس نیز مشاهده می‌شود اما در مقاله مذکور، پژوهشگر تنها از تصویر برای نمایش پوشش رستم در نگاره‌های مختلف استفاده کرده است. در ضمن همان‌طور که از نام آن هویداست تنها به پوشاک نبرد رستم توجه داشته و پوشاک دیگر جنگاوران مورد نظر نویسنده نبوده است (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵). مقالات دیگری نیز در این حوزه وجود دارد اما موردی که بتوان از آن به عنوان منبع قابل استناد نام برد، یافت نشد.

### طبقه جنگاوران در عصر صفوی

صفویه، هم‌چون دولت‌های دیگر از تشکیلات نظامی برخوردار بود؛ این تشکیلات با استناد به منابع مختلف عبارتند از: قزلباشان که اشرافیت نظامی دولت صفوی و یا به تعبیر سنتی اسلامی، اهل شمشیر را تشکیل می‌دادند (سیوری، ۱۳۸۰:۱۶۲). صدرکه وظیفه آن هماهنگی مذهبی و پیوند میان نهاد سیاسی و نظامی با نهاد مذهبی بوده و معمولاً رده نظامی داشتند و گاهی هم فرماندهی نظامی نصیب آن‌ها می‌شد (همان: ۱۶۷). از دیگر مقامات نظامی امیرالامرا بود که فرمانده نظامی و لشکری محسوب می‌شد (همان: ۱۶۸). سپاهی نیز از قورچی‌ها وجود داشت که تحت نظر قورچی‌باشی بودند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۵۶) و از قبیله ترکان افشار انتخاب می‌شدند و در ابتدا زیر نظر امیرالامرا فعالیت می‌کردند (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۶۹). با به تخت نشستن شاه‌عباس تغییری در مناصب نظامی رخ داد. طبق سفرنامه شاردن، سپاه شاه‌عباس متشکل از پیاده‌نظام (تفنگداران) و سواره‌نظام (قزلباشان) بوده است. هم‌چنین گروه کوچک‌تری از زمان شاه‌صفی به نام صوفیان وجود داشت که نگاهی از شاه را برعهده داشتند و سلاحشان تبرزین و شمشیر و خنجر بوده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۰). شاه مذکور سپاهی از چرکسیان و گرجیان به نام «غلامان شاه» تشکیل داد که کم‌کم ارتقاء مقام یافتند تا آنجاکه در سال ۱۰۰۷ ه.ق «غلامی‌اللهوردی‌خان نام، فرمانده کل قوا مسلح شد» (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

به‌طور کلی در این دوره سپاه صفوی متشکل از قورچی‌های سواره‌نظام و قوللرهای پیاده‌نظام و تفنگچی‌ها بوده است. سرپرستی قوللرها به دست «قوللر آغاسی» و فرماندهی تفنگچی‌ها نیز زیر نظر «تفنگچی آغاسی» بوده و هر سه گروه را «سپهسالار» فرماندهی و هدایت می‌کرده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۹). گروه تفنگچی‌ها از رسته‌های شکل‌یافته زمان شاه‌عباس می‌باشد (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۳۵). در کنار رسته‌های مذکور، گروه جزایری‌ها نیز وجود داشت که سلاحشان تفنگ و خنجر و شمشیر بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۶). جزایری‌ها زیر نظر «ایشک آغاسی‌باشی» عمل می‌کردند (نقوی و مرثی، ۱۳۹۱: ۶). ایشک آغاسی‌باشی، آخرین مأمور عالی‌رتبه محسوب می‌شد و کار او بیشتر تشریفاتی بود (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

### پوشاک جنگاوران عصر صفوی

تن‌پوش ویژه نبرد عصر صفوی شامل: خفتان، زره، چهارآینه، ساعدبند و ساق‌پوش است. خفتان یا همان کژاغند زیر زره و برای جلوگیری از ضربات شمشیر استفاده می‌شده و به همین منظور بین آستر و پارچه اصلی ریزه‌های ابریشم قرار می‌دادند (چیت‌ساز، ۱۳۹۳: ۸۸). زره به عنوان تن‌پوش اصلی می‌باشد و متشکل از حلقه‌های آهنین ریز به هم پیوسته بوده و قد آن تا حوالی زانو می‌رسیده است. چهارآینه نیز هم‌چون دیگر تن‌پوش‌های نبرد ماهیت ضدضربه داشته و از چهار یا پنج ورق فولادی که با بندهایی به هم متصل می‌شده و شکم، پشت و پهلو جنگاور را می‌پوشانده است (غیبی، ۱۳۸۷: ۴۲۳). هم‌چنین ساعدبند و رانپاهای فلزی یا چرمی و یا بافته‌های متراکم ساقه‌های گیاهی نیز مورد استفاده جنگاوران قرار می‌گرفته است (چیت‌ساز، ۱۳۹۳: ۵۹۹).

آن‌چه به عنوان پوشش سر جنگاوران یاد می‌شود کلاه خود می‌باشد که در عصر مزبور، دارای حلقه‌های متصل به هم فلزی در دور کلاه، برای محافظت گردن بوده است (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۵۰). اما در منابع از کلاه‌های متفاوت برای هر گروه نظامی یاد می‌شود. گروه قورچی‌ها و قوللرها «تاج حیدری» بر سر می‌گذاشتند و دور آن را پارچه‌ای سپید می‌بستند (نقوی و مرثی، ۱۳۹۱: ۶). تفنگچی و جزایری نیز کلاه ساده‌ای با لبه‌ای برگردان به روی کلاه که چاک روی برگردان دیده می‌شد، بر سر می‌گذاشتند (همان). جنس کلاه جزایری‌ها ماهوت بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۶). به احتمال زیاد کلاه‌های نام‌برده به دلیل آن‌که مقاومتی در برابر ضربه نداشته‌اند تنها حالت تشریفاتی داشته و در زمان غیر از نبرد استفاده می‌شده و در حین جنگ همان کلاه خود را بر سر قرار می‌دادند.

### جنگاوران و پهلوانان در شاهنامه فردوسی

معنای لغوی واژه «پهلوان» در فرهنگ معین عبارت است از: ۱- سخت توانا، دلیر و شجاع. ۲- درشت‌اندام، عظیم‌الجثه. (معین، ۱۳۸۹). معنای لغوی واژه «جنگاور» نیز عبارت است از: جنگجو- جنگی، دلیر، شجاع (همان). گرچه دو واژه معنایی مترادف یکدیگر دارند؛ اما ظاهراً در شاهنامه فردوسی معنای مستقل دارند. از آن‌جا که شاهنامه یک نمونه ادبی

### شاهنامه دستنویس ۹۵۳ ه.ق پاریس

عصر صفوی، دوره اعتلای هنری ایران بوده است و بازتاب آن را می‌توان در هنر نگارگری صفوی مشاهده نمود. تکامل نگارگری صفوی در سه مکتب، تبریز دوم، قزوین، مشهد و اصفهان نمود پیدا می‌کند. یکی از نسخ مربوط به مکتب تبریز دوم، شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس است. کتاب مذکور در حدود سال ۹۵۳ ه.ق با مقدمه معروف «بایسنقری» آغاز می‌شود و در حدود سال ۹۸۸ ه.ق نگارش آن به پایان می‌رسد. این نسخه در دو روایت نوشته شده است که روایت اول در میانه رجب ۹۵۰ ه.ق، پس از پایان یافتن مقدمه بایسنقری آغاز می‌شود و سه سال بعد در جمادی‌الثانی ۹۵۳ ه.ق پایان می‌یابد. بخش مقدمه شامل صفحات ۳ چپ تا ۱۴ و روایت اول از ورق ۱۴ چپ تا ۵۵۱ می‌باشد. روایت دوم با خطی دیگر از ورق ۵۵۲ چپ تا ۶۱۵ ادامه پیدا کرده و در داستان‌های مربوط به افراسیاب و پادشاهی وی ناتمام می‌ماند (ریشار، ۱۳۸۳: ۱۷۷). شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس ۷۰ نگاره دارد و دو نگاره اول مربوط به یک مجلس بوده و در صفحات ۳ راست و ۳ چپ به تصویر درآمده است. مدت طولانی نگارش نسخه راه را برای هنرنمایی هنرمندان و نگارگران مختلف باز نموده است؛ بنابراین نسخه مزبور جای قلم هنرمندان بزرگ صفوی بوده که در یک مجموعه جمع شده است. این نسخه در سال ۱۱۵۲ ه.ق در اصفهان توسط فردی به نام «ژان لوتر» خریداری شد و هم‌اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود (همان: ۱۷۷).

### بررسی پوشاک جنگاوران در نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس

**جامعه بررسی:** از میان ۷۰ نگاره شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس، ۴۹ نگاره آن به مجالس رزم، نمایش طبقه جنگاوران و پهلوانان، نبرد انسان با انسان، انسان با حیوان و لشگر با لشگر اختصاص دارد و پوشاک جنگاوران با فرمتی مشترک در تمامی این نگاره‌ها نقش بسته است. بررسی اجمالی نگاره‌های این نسخه، نشان از آن دارد که تنوع پوشش جنگاوران در ۴ دسته کلی: (۱) پوشش جنگاوران عادی، (۲) پوشش نبرد رستم، (۳) پوشش نبرد اولاد دیو و (۴) پوشش اسبان جنگی قابل تفکیک‌اند. تفکیک پوشاک «رستم» و «اولاد دیو» در دو دسته مجزا، به دلیل تفاوتی است که در نوع پوشش نبرد این دو شخصیت

حماسی می‌باشد و «یکی از سازه‌های بنیادین آثار حماسی، وجود بن‌مایه جنگ است... و یکی از جنبه‌های مرتبط با این بن‌مایه که در هیچ اثری قابل تقلید و پیروی نیست جلوه وصف پیکارها، آوردگاه‌ها و جنگاوران است» (جعفرپور و علوی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۵۱)؛ بنابراین گروهی از جنگاوران در رزم‌آفرینی‌های فردوسی وجود دارند؛ علاوه بر این یکی از بخش‌های مهم شاهنامه، پرداختن فردوسی به دوره «پهلوانی یا دوره کیانیان» است. در این دوره «شاه و پهلوان، تشخیص مستقل و معنادار اسطوره‌ای دارند» (چمن‌آرا، ۱۳۹۴: ۷). در واقع فردوسی اسطوره‌سازی نموده و موجب آن شده است که پهلوان شاهنامه، شخصیتی نیمه‌خدایی و نیمه انسانی یابد و آنچه او را هدایت می‌کند عقل و درک وی نیست؛ بلکه تقدیر ایزدی‌ست که از قبل برای او رقم خورده است.

«پردازش شخصیت‌های اسطوره‌ای تا آفرینش پهلوانان شاهنامه در تحلیل‌های روان‌شناسانه جذابیتی فراتر از یک روایت انتزاعی حماسه و افسانه‌ای دارد و این اوج قدرت سرایش داستان حماسی شاهنامه است که آن‌را بالاتر از دیگر حماسه‌های میان اقوام دیگر قرار می‌دهد. پوسته بیرونی این پهلوانان چنان در پیوستگی اجتماعی توده‌ها شکل می‌پذیرد که ظفر و پیروزی‌ها و کامیابی آن‌ها دست توانمندی‌ست که آمال و آرزوها در آن تجلی می‌کند و در واقع پهلوان نماینده مردم و جزیی از مردم است و ناکامی او هم شکست مردم» (همان). به‌طور کلی فردوسی در شاهنامه برای پهلوان، صفاتی قائل شده که عبارت است از: عدم خیانت به کشور و شاه زمانه، فره ایزدی یا همان نیروی مینوی و نگهبان، دارنده رزم‌افزارهای خاص مانند گرز کله‌گاو (جعفرپور و علوی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۵۸)؛ البته با مطالعه متن شاهنامه آشکار است که پهلوانان شاهنامه دارای ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری نیز بوده‌اند که بی‌شک متأثر از همان فره ایزدی آنان بوده است و این در حالی‌ست که جنگاور شاهنامه هم‌چون دیگر آدمیان بوده و مسیر خیر و شر را می‌توانسته ببیماید و نیرویی نگهدارنده او نبوده است و دارای هیچ یک از صفات خاص پهلوانان شاهنامه نمی‌باشد و تنها آنچه او را شایسته پیکار کرده قدرت جسمانی و شجاعت اوست.

بیشترین اطلاعات تصویری را در خصوص انواع پوشاک نبرد و گونه‌های مختلف پوشش جنگاوران و پهلوانان و اسبان جنگی در اختیار می‌گذارند، انتخاب گردیدند. نگاره‌های منتخب به ترتیب شماره برگ نسخه اصلی در جدول ذیل آورده شده است.

در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس مشهود است. منبع کلیه نگاره‌ها، فایل نسخه مصور و کامل شاهنامه ۹۵۳ ه.ق است که در سایت کتابخانه ملی پاریس موجود آپلود شده است (<http://www.bnf.fr>). به همین منظور، از میان نگاره‌های نسخه، ۹ نگاره که

جدول ۱: نگاره‌های مورد بررسی در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس <http://www.bnf.fr>

شماره برگ	نام نگاره
برگ ۵۹۷	دیدار کیقباد با سپاهیان و رستم
برگ ۶۶۷	جنگ رستم با افراسیاب بار اول
برگ ۷۳۷	نبرد رستم با اولاد دیو
برگ ۷۵۲	دیدار رستم با شاه و سرداران اسیر



	<p>برگ ۱۵۵۲</p>	<p>نبرد ایرانیان و فریبرز با ترکان</p>
	<p>برگ ۱۸۳۷۲</p>	<p>گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم</p>
	<p>برگ ۳۰۲۷</p>	<p>جنگ رستم با ترکان</p>
	<p>برگ ۳۱۹۲</p>	<p>رزم رستم و اسفندیار</p>
	<p>برگ: ۱۴۱۲</p>	<p>دیدار کیخسرو با رستم</p>

### مبانی تحلیل

از آنجا که در نگاره‌ها تنوع شخصیتی جنگاوران و پهلوانان وجود دارد که موجب تنوع پوشش رزم شده است، مطالعات این پژوهش بر مبنای پوشاک جنگاوران عادی، پوشاک نبرد رستم، پوشاک نبرد اولاد دیو و پوشش اسبان جنگی تفکیک می‌شود. بدین ترتیب تنوع پوشش نبرد هر کدام از این طبقات، جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت در جدوال تطبیقی، قیاس داده می‌شود. در خصوص پوشش نبرد جنگاوران و پهلوانان، انواع پوشش نبرد شامل کلاه خود، تن پوش، ساعدبند، ساق‌بند و پاپوش مدنظر است.

### تحلیل و بررسی پوشاک

**پوشاک نبرد جنگاوران عادی:** با توجه به نگاره‌ها، این افراد شامل سواره‌نظام‌ها و پیاده‌نظام‌ها می‌شده‌اند. تقریباً پوشش هر دو دسته مشابه است؛ تنها سواره‌نظام‌ها دارای ساق پوش و کلاه خود همراه با گردن‌پوش هستند. بررسی پوشاک جنگاوران در نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس، نشانگر این است که عموم جنگاوران عادی، ملبس به پوشاک نبرد هستند. این پوشش شامل: کلاه خود- شانه‌پوش- ساعدبند- ساق پوش و تن پوش است که به ترتیب مورد مطالعه قرار گرفتند و با توجه به طرح اصلی در نسخه مزبور توسط نگارنده طراحی شده است.

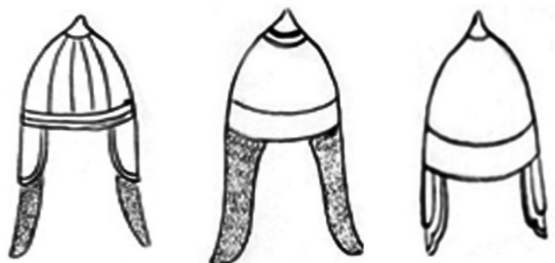
**الف) کلاه خود:** مهم‌ترین و شاخص‌ترین پوشش جنگاوران در نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس است. کلاه خود موجود در این نسخه، متشکل از فرمی گنبدی است که در مرکز بالای سر، برآمدگی تیزی داشته و گاهی به جای برآمدگی، میله‌ای کوتاه قرار دارد. این میله که به «چوب میزانه» نیز معروف است در نگاره «دیدار کیقباد با سپاهیان و رستم» به شکل بلندتر دیده می‌شود. فرم گنبدی کلاه خود در همه نگاره‌ها یکسان بوده و آنچه موجبات تمایز کلاه خودها را فراهم آورده، قطعات الحاقی و تزیینات آن است که سه مدل اصلی را نمایان می‌سازد:

هم‌چنین لبه منحنی گوش‌پوش گاهی از فرم هلال‌های کوچک‌تری تشکیل شده و یا دو تکه روی هم به شکل کوتاه و بلند قرار گرفته است (تصویر ۱- الف).

۲- به دور فرم گنبدی به غیر از بخش جلوی صورت، قطعه‌ای بلند و پهن که تا پشت گردن را می‌پوشاند و روی شانه‌ها آویزان مانده، نصب گشته و گویی از زنجیرهای به هم پیوسته ساخته شده است (تصویر ۱- ب).

۳- در این مدل، کلاه خود شماره ۱ با ۲ ترکیب شده و در واقع متشکل از گوش‌پوش و گردن‌پوش است (تصویر ۱- ج).

کلاه خودها مزین به قطعات الحاقی هم‌چون: پرچم‌های رنگین (تصویر ۱- د)، تک‌چقه (تصویر ۱- ر) و گاهی یک یا دو رشته موی آویزان که به حالت مارپیچ از بالای کلاه خود آویزان می‌باشند (تصویر ۱- س).



ج) ترکیبی

ب) گردن‌پوش

الف) گوش‌پوش‌دار



س) تزیین با رشته

ر) تزیین با تک‌چقه

د) تزیین با پرچم

**تصویر ۱:** تنوع کلاه خود در پوشش جنگاوران عادی، نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷).

**ب) شانه‌پوش:** پوششی جلوبسته به شکل نیم‌دایره و دارای یقه گرد و تنها شانه‌ها و سرشانه‌ها را تا پیش‌سینه می‌پوشاند و در نگاره‌ها به رنگ خاکستری دیده می‌شود که جنس فلزی و فولادی را القا می‌کند. احتمالاً این پوشش در پشت دارای بندهایی جهت سهولت در به تن کردن، دارد (تصویر ۲- الف).

**ج) ساعدبند:** این پوشش همان‌طور که از نامش مشخص

۱- دارای قطعاتی به شکل منحنی یا مستطیل‌هایی که در پایین فرم هلال را گرفته و به عنوان گوش‌پوش در کناره‌های کلاه گنبدی، بر روی گوش‌ها قرار دارد که گاهی به رنگ فولاد و گاهی طلایی‌رنگ و یا ترکیبی از این دو رنگ است؛

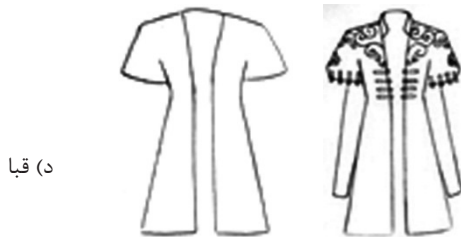
مردان درباری نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس برتن دارند و حالت پیکره به شکل نشسته است (تصویر ۳-د).



ج) کمر بند

ب) پیراهن زیر

الف) شلوار



د) قبا

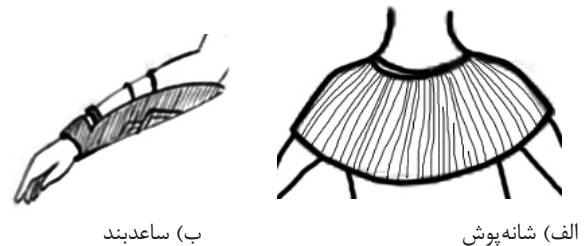


تصویر ۴: انواع پیراهن رو در پوشش جنگاوران عادی، نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (همان).

۵-۳-۲- پوشاک نبرد رستم: در میان جنگاوران شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پاریس، رستم با پوشش خاص خودنمایی می‌کند. نام رستم، آوازه‌ای بلند در ادبیات حماسی ایران دارد؛ «رستم و خاندانش در شاهنامه به عنوان شاهان سیستان در شرق ایران توصیف شده‌اند و غالباً خود رستم سگری سکا شمرده شده است» (سرخوش کرتیس، ۱۳۷۳: ۴۳). او در ابتدا کنار پدر پهلوانش زال در صحنه‌ها حضور می‌یابد تا آن‌که در نوجوانی پیل سپیدی را از پای در می‌آورد و موجب تحسین همگان می‌شود و از آن پس ملقب به «پیلتن» می‌شود (اکبری‌مفاخر، ۲۰۴: ۱۳۹۵) و به دنبال آن نبردهای بسیار را پیروزمندان پشت سر می‌گذارد تا در نهایت به حيله برادرش «شغاد» به کام مرگ فرستاده می‌شود. در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پاریس ۲۰ نگاره به پیکارهای رستم اختصاص یافته است؛

است، محافظ دستان بوده و ترکیبی از چند قطعه آهنین می‌باشد؛ در ابتدا فرمی حلقوی پهن به‌عنوان مچ‌بند به دور مچ دست قرار گرفته و بعد قطعه‌ای مستطیلی به پهنای زیر دست از مچ تا آرنج که یک سر آن به مچ‌بند متصل و زیر دست قرار گرفته و طرف دیگر آن فرمی منحنی دارد. این قطعه بلند به وسیله بند روی دست محکم می‌شود. (تصویر ۲-ب) ساعدبند و شانه‌پوش در همه نگاره‌ها برای جنگاوران ترسیم نشده است.

د) ساق‌بند: تکه‌ای آهنین بلند که از قسمت مچ تا زانو را در جلو پوشانده و در قسمت زانو به قطعه‌ای دایره‌ای شکل که روی آن نقش گلی برجسته دیده می‌شود، وصل گشته است ساق‌بند در پشت به وسیله چند بند محکم شده است. (تصویر ۲-ج) تقریباً در تمامی نگاره‌های مربوط به جنگاوران بر تن جنگجویان، ساق‌بند دیده می‌شود. در ضمن به دلیل قرارگیری پیراهن تا زانوان، مشخص نیست که آیا ساق‌بند به قطعه‌ای دیگر به نام رانپا (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۷۳)، متصل گشته یا خیر؟



ب) ساعدبند

الف) شانه‌پوش



ج) ساق‌پوش

تصویر ۲: شانه‌پوش، ساعدبند و ساق‌بند در پوشش جنگاوران نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷).

ر) تن‌پوش: به غیر از پوشاک خاص نبرد که بر سرشانه و ساعد و ساق جنگاوران قرار می‌گرفت و در توضیحات پیشین بدان اشاره شد، تن‌پوش جنگاوران شامل شلوار (تصویر ۳-الف)، پیراهن زیر (تصویر ۳-ب) و کمر بند است (تصویر ۳-ج)؛ هم‌چنین تنوعی از فرم‌های پیراهن‌رو نیز دیده می‌شود (تصویر ۴). در هنگام شرفیابی به نزد شاه نیز، قبایی چون

از اشتراک پوست روی دوش مادها با «بیان» رستم، ارتباطی میان رستم با آناهیتا، الهه آبها نیز به وجود می‌آید، در واقع «از آنجا که پوششی زنانه برازنده و شایسته پهلوان نبوده آن را به پوست اژدها دگرگون کرده‌اند. به پیرو آن داستان رستم و ببر بیان نیز برای رستم ساخته و کم‌کم پوشش دوگانه بور و بیان وی به پوشش یگانه ببر بیان دگرگون شده است» (همان: ۲۰۴). طبق این نکته قدرت رستم و پیروزی‌های او می‌تواند از جانب آناهیتا باشد و نمود آن پوششی مشابه (بری یا پوستین) میان این دو است (تصویر ۶- الف و ۶- ب و ۶- ج). رستم در نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس از نگاره «نبرد رستم با افراسیاب بار اول» به ببر بیان ملبس می‌شود. او در کنار پوشش ببر بیان از پوشاک عمومی مردان هم‌چون: شلوار و پیراهن زیر و ... نیز استفاده کرده است. در واقع آن‌چه پوشش نبرد رستم را کامل می‌کند، ساعدبند و ساق‌پوش اوست.

جامگان ببر بیان در نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس با «کله‌پلنگی» ای مشاهده می‌شود، چنان‌که در نگاره‌ها به چشم می‌آید سر پلنگ سفیدرنگ با نقوش مشکی و دو چشم باز و بینی است. کلاه کله‌پلنگی رستم خود حکایتی دارد که البته در شاهنامه به آن اشاره‌ای نشده است و آن‌چه گره از راز تصویر کلاه مذکور باز می‌کند، روایت «گورانی هفت خوان رستم»<sup>۲</sup> است. کله‌پلنگی روی سر رستم در نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس از نگاره «جنگ رستم با افراسیاب بار اول» به همراه ببر بیان بر سر رستم ترسیم شده و این در حالی‌ست که حکایت وجودی کلاه کله‌پلنگی از هفت پیکار بعد از جنگ با افراسیاب، می‌باشد. در واقع کلاه کله‌پلنگی نماد رستم گشته و نگارگران بسیاری از نسخه‌های شاهنامه بر اساس این پیش‌آگاهی، رستم را با این کلاه بدون توجه به زمان پیدایش کلاه به تصویر کشیده‌اند؛ مانند: شاهنامه شاه تهماسبی (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵: ۲۵۳). کلاه کله‌پلنگی در نگاره‌های نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس ظاهراً روی کلاه‌خود رستم قرار گرفته و گاهی میله مرکزی بالای کلاه‌خود که به چوپ میزانه نیز معروف است روی آن مشاهده می‌شود. کلاه‌خود اشاره شده در همه نگاره‌ها به تکه‌ای از زنجیرهای یکپارچه متصل است که دورتاور سر را به غیر از صورت پوشانده و بلندی آن تا شانه‌ها و پشت گردن است (تصویر ۱۴- د). در

اولین نگاره مربوط به رستم، نگاره «جنگ رستم با پیل سپید» است که رستم با چهره‌ای بدون محاسن و جثه‌ای کوچکتر از باقی نگاره‌ها مشاهده می‌شود. جامگان وی شامل: پیراهن رو، پیراهن زیر و کمر بند است و ظاهراً ویژگی مصونیت از حملات و ضربات را ندارد و گویی بیشتر نمایش فرم عمومی پوشاک مردان بوده و مربوط به پوشاک نبرد نیست؛ بلکه هدف نگارگر، نمایش قدرت رستم بدون نیاز به پوشش نبرد می‌باشد. جامگان رستم خفتانی پوستین با آستین کوتاه و جلو باز که توسط دکمه‌های ریزی بسته شده و به دور لبه آستین آن خزی قرار دارد (تصویر ۵- الف). یقه آن به شکل هفت بود و در برخی نگاره‌ها به حاشیه‌ای از خز (یا یقه‌ای از خز) مزین گشته و گاهی بدون خز و ساده است (تصویر ۵- ب). خفتان یاد شده، پوشش مشهور رستم به «ببر بیان» است که مشخصه اصلی رستم در پیکره‌های نسخ مصور شاهنامه می‌باشد (تصویر ۵- الف). دو بحث کلی در مورد ببر بیان وجود دارد:

۱- آن‌که در شاهنامه فردوسی آمده و ببر بیان به عنوان یک جامه واحد برای رستم به کار رفته است (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

۲- در حماسه‌های گورانی که «ببر/ بور» به عنوان خفتان بوده و «بیان پوستی جدا که بر شانه رستم انداخته می‌شده است (همان: ۲۰۳).

اگر «بیان» را جدا از «بور یا ببر» بدانیم پوشش رستم یادآور پوشش مادها می‌باشد که بر روی لباس اصلی خود پوستی (پوست یوزپلنگ یا گوسفند) بر شانه خود می‌افکندند (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۳۶). شایان ذکر است که در فارسی باستان واژه «بیان» معنای «خدایان» را داشته است (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۶۷) و جالب توجه است که «آناهیتا» الهه آبها نیز پوششی این چنین دارد. در سرود مربوط به آناهیتا در آبان‌یشت، آناهیتا با لباسی بلند و آستین‌های بلند توصیف شده که روی لباس، در زیر، سینه‌بندی بسته شده و بر روی این ردا، تن پوشی از خَز بر شانه‌ها افکنده است (Gropp, 1996:752). این پوشش زنانه در سنگ‌نگاره تاق بستان کرمانشاه به تصویر درآمده و شامل دو بخش: «پوست-bawri (ببر جانور معروف/ بَبَر سگ آبی... و بالاپوشی paiti-dana: پنام ردا) زرین بر دوش» (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵: ۲۰۳) می‌باشد. بدین‌سان جدا



(ب) طرح خطی پوشش آناهیتا (ج) ببربیا رستم  
تصویر ۶: پوشش آناهیتا و تطبیق با ببربیا رستم (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷)

در نگاره‌های مربوط به پیکار رستم، حریفانش پوششی مشابه هم و طبق پوشاک دیگر جنگاوران نسخه مزبور بر تن دارند؛ اما در دوازدهمین نگاره نسخه با عنوان «نبرد با اولاد دیو»، اولاد نیز هم‌چون رستم خفتانی به تن کرده که وی را از سایر رقبای رستم متفاوت ساخته است. از این جهت الزاماً پوشش او نیز بررسی می‌شود.

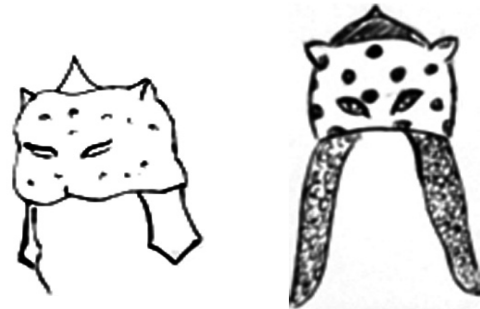
۳-۳-۴- پوشاک نبرد اولاد دیو: پس از آن که رستم خوان چهارم را پشت سر می‌گذارد و از فتنه جادوگر رهایی می‌یابد، پای در سرزمینی می‌گذارد و به قصد استراحت می‌خوابد، «خداوند آن مرز و بوم، پهلوان جوان و دلیری بود به نام اولاد» (یغمایی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). است. دشتبان آن جا، وقتی رستم و رخس را می‌بیند بانگ برمی‌آورد و... رستم دو گوش او را می‌برد. دشتبان به سوی اولاد می‌رود و اولاد به قصد خون‌خواهی از دشتبانش با رستم نبرد می‌کند. رستم که پیروز نبرد است به اولاد می‌گوید: «اگر جای دیو سپید و پولادغندی و بید را به من بگویی و بگویی کاووس‌شاه را کجا در بند کرده‌اند، به پاداش تو را پادشاه مازندران می‌کنم» (همان: ۱۳۹).

خفتان اولاد، آستین کوتاه و جلوپاز بوده و با دگمه‌های ریزی بسته شده است. رنگ پیراهن خاکستری و نقوش زنجیروار روی آن، جنسیت فلزی را که از زنجیر ساخته شده است تداعی می‌کند. دور یقه تا پایین خفتان در جلو و حاشیه آستین، نواری پهن از همان جنس خفتان ولی به رنگ طلایی

بیست و نهمین نگاره با عنوان «کشتی گرفتن پولادوند با رستم» تکه زنجیروار جای خود را به قطعه‌ای به نام «گوش‌پوش» که به فرم مستطیل‌هایی که در پایین، شکل منحنی یا هفت گرفته‌اند، داده است (تصویر ۱۴- ر). کلاه خود رستم نیز هم‌چون دیگر جنگاوران نسخه مزبور مزین به پرچم، جقه و... می‌باشد. کلاه دارای چشمانی باز و گویی هوشیار به اوضاع پیرامون هستند.



(الف) ببر بیان (ب) یقه خز (ج) یقه بدون خز



(ر) کلاه با گوش‌پوش (د) کلاه کله‌پلنگی

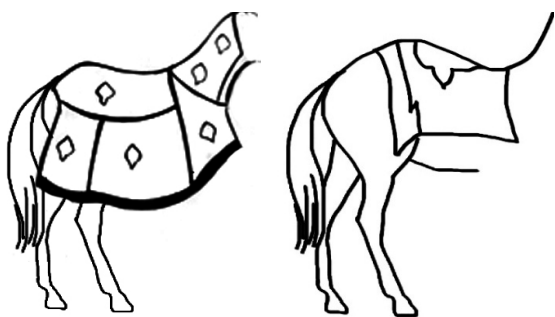
تصویر ۵: تنوع پوشش نبرد رستم، نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷)



(الف) پوشش آناهیتا (بنیادی، ۱۳۸۹: ۷۷)

**پوشش کامل:** فرم پوششی که تقریباً تمام بدن اسب را می‌پوشاند و در اکثر نگاره‌های مربوط به مجالس رزم مشاهده می‌شود. احتمالاً این پوشش دارای آستری بوده و مابین رویه و آستر از پنبه، کاه یا ... به جهت مصونیت بهتر اسب از ضربات تیر پُر می‌شده است. پوشش مذکور از دو جنس پارچه‌ای و فلزی بوده و هر دو جنس از پنج تکه اصلی ساخته شده است: تکه اول از بالای سر اسب تا گردن را می‌پوشاند و تکه بعدی که پایین تکه شماره ۱ نصب می‌شود فرم بیضوی عریضی دارد که روی اسب را پوشانده و تا بالای دم اسب قرار دارد و در بالای دم اسب به شکل دو هلال به هم چسبیده می‌باشد. در سمت پایین و پهلو اسب (در نیم‌رخ) معمولاً سه تکه مستطیل‌وار دیده می‌شود که تا ساق پای اسب را می‌پوشاند و در همه نگاره‌ها به حاشیه‌ای نواری ختم می‌گردد. گاهی میان سه تکه مستطیل پایین، حاشیه‌های رنگی با پهنایی متوسط قرار دارد و گاهی حاشیه‌دوزی در همه برش‌ها می‌باشد (تصویر ۸-ب).

علاوه بر قطعات ذکر شده، در برخی نگاره‌ها برش‌های بیشتری برای بالاپوش منظور شده که شامل قطعه‌ای مثلث‌وار در زیر گلو یا تقسیم شدن تکه روی گردن به برش‌های بیشتر می‌باشد. تزیینات بالاپوش مذکور به شکل حاشیه‌ای از نخ‌های در به هم بافته که فرم لوزی‌های تو در تو را نشان می‌دهد و به منگوله‌هایی ختم شده است. نوع فلزی این بالاپوش نیز به رنگ طلایی و خاکستری دیده می‌شود (تصویر ۸-ج). هم‌چنین قطعه‌ای مستطیلی فلزی بر روی صورت اسب که از یک سمت تیز شده و میان گوش‌ها به شکل رها قرار دارد و جای چشمان اسب نیز خالی شده و سمت دیگر آن تا روی پوزه اسب را می‌پوشاند. این تکه گاهی به نقوش اسلیمی مزین گشته و فرم برش پیرامونی آن نیز متنوع است (تصویر ۸-د).



ب) بالاپوش کامل اسب

الف) قطعه پارچه روی اسب

مشاهده می‌شود (تصویر ۷-الف). کلاه‌خود از فرم زنجیروار خفتان تبعیت کرده و به قسمت کروی کلاه، زنجیرهای یکپارچه‌ای که از یک سمت صورت به سوی پشت سر رفته و به سمت دیگر صورت رسیده و آن را پوشانده است و تا حوالی شانه‌ها آویزان می‌باشد؛ روی آن یک جقه و پرچم سفید نصب گردیده است (تصویر ۷-ب). اولاد نیز با ساعدبند و ساق‌پوش دیده می‌شود (تصویر ۷-ج) و (۷-د).



ب) کلاه‌خود اولاد دیو



الف) خفتان اولاد دیو



د) ساق‌پوش



ج) ساعدبند

تصویر ۷: تنوع پوشش نبرد اولاد دیو در نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷).

**۴-۳-۴- پوشاک نبرد اسبان:** در نگاره‌های نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس در اکثر نبردها، جنگاوران سوار بر اسبانی هستند. این حیوانات چهارپا نیز پوششی بر تن دارند که تقریباً محافظ بدن آن‌ها از ضربات تیر دشمن است و شامل دو نوع پوشش می‌باشد. **تکه پارچه:** نوعی از این نوع پوشش، پارچه‌ای متشکل از یک تکه پارچه مستطیلی و یک تکه پارچه دوزنقه‌ای کوتاه بوده که سمت کم پهنای آن به اندازه پهنای مستطیل و سمت عریض آن سمت دم اسب قرار می‌گرفته است. گاهی دور آن نواری باریک وصل شده است و گاهی تنها در بخش دوزنقه‌ای آن تزیینات حاشیه‌ای به چشم می‌خورد. هم‌چنین روی آن در بخش نزدیک به قسمت دوزنقه‌ای ترنجی نقش بسته است. پوشش مذکور دارای رنگ‌های متنوع می‌باشد (تصویر ۸-الف).

باستانی برمی‌گردد و افسران مادی، قبایی بلند و جلوپاز به تن می‌کردند (Diba, 1996: 779) (جعفری‌دهقی، ۱۳۹۳: ۲۴۷) (تصویر ۱۱). بر روی قبا، همانند قبای درباریان، به دور یقه تا حوالی شانه‌ها تا پایین یقه و حوالی پیش سینه، مزین به نقوش طلائی معروف به «تزیینات تاتاری» بوده و علاوه بر آن به دور آستین کوتاه نیز در حاشیه، نوار طلائی نقش بسته است. تزیینات تاتاری از زمان تیموریان بر روی پوشاک مرسوم گردید و شامل نقوش موجی به دور یقه تا نزدیکی شانه‌ها که در جلو و پشت قرار داشت (sims, 1996: 779) (تصویر ۱۲).

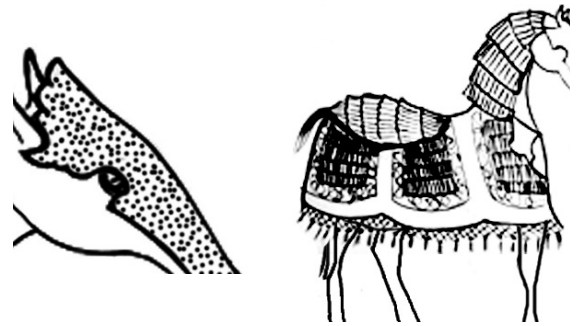


تصویر ۹ (سمت راست): قبادر شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پاریس، نگاره ۲۲، برگ: ۱۴۱۲. تصویر ۱۰ (سمت چپ): قبا، نگاره ۷، برگ: ۵۹۷.



تصویر ۱۱ (سمت راست): قبای مادها (www.vadiye.com) تصویر ۱۲ (سمت چپ): قبا با تزیینات تاتاری، شاهنامه بایسنقری، (۱۳۵۰) برگ ۴۷۶

- فرم کلاه‌خودهای به تصویر درآمد مشابیه کلاه‌خودی است که از دوره صفوی باقی مانده و تاریخ ساخت آن را به نیمه اول قرن دهم هجری قمری ارجاع داده‌اند. کلاه‌خود به جا مانده جنسی از فولاد دمشقی و طلا دارد و شکل آن بر گرفته



(د) حفاظ روی صورت اسب

(ج) بالاپوش فلزی

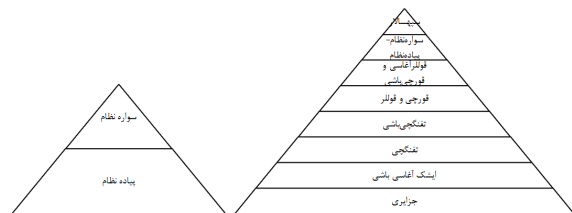
تصویر ۸: تنوع پوشش نبرد اسبان در نسخه شاهنامه ۹۵۳ پاریس (طراحی شده توسط نگارنده: ۱۳۹۷).

#### ۴-۵- تحلیل یافته‌ها

باتوجه به مطالعات انجام شده در خصوص شناسایی و بررسی پوشاک جنگاوران در نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس چند نکته به دست آمد:

-نگارگران نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس، تنها دو دسته پیاده‌نظام و سواره‌نظام دوره صفوی را نمایش داده‌اند و در تصویرسازی پوشاک آنان به سلسله مراتب جنگاوران مطابق مراتب دوره صفوی، وفادار نبوده‌اند؛ به‌طوری‌که در نگاره‌ها نمی‌توان میان رسته‌های نظامی تفاوت آشکاری را پیدا نمود با توجه به بررسی‌های انجام شده در منابع مختلف می‌توان مناصب نظامی را با توجه به رتبه نظامی آنان در نموداری هرمی قرار داد. (نمودار ۱).

نمودار ۱: مقایسه سلسله مراتب جنگاوران عهد صفوی با جنگاوران به تصویر درآمده در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس (نگارندگان، ۱۳۹۷).



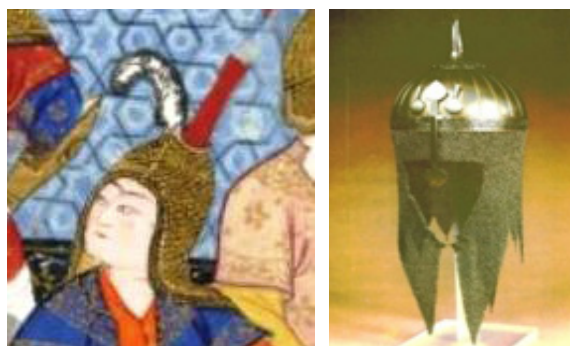
مراتب جنگاوران در دولت صفوی مراتب جنگاوران در نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس.

- جنگاوران در برخی از صحنه‌ها در برابر شاهان، با کلاه‌خود و قبا به تصویر درآمده‌اند. از قبا به عنوان پوششی درباری یاد شده (تصاویر ۹ و ۱۰) که پوشیدن آن به دوره

- پژوهشگران معتقدند «جنس پوشاک نبرد از چرم یا بافته‌های متراکم گیاهی و یا از فلز بوده» (چیت‌ساز، ۱۳۹۳: ۶۰۰)؛ بر این اساس، ظاهراً نگاره‌های نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس در زمانی طراحی شده که دیگر بافته‌های متراکم گیاهی و چرم جای خود را به فلز داده بوده. این نکته بیانگر آن است که در حوزه پوشاک جنگی، دولت صفوی به مرحله تولید داخلی تهیه پوشاکی از فلز برای جنگاوران رسیده بوده؛ هم‌چنین می‌توان برداشت کرد که نگارگر تنها به معرفی پوشاک زمانه خود نپرداخته و در نظر داشته اعتلای متریال را نیز نشان دهد.

-بالا پوش اسبان جنگی، با نمونه‌های دوره صفوی شباهت دارد. با بررسی تطبیقی میان این نگاره‌ها با نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی، مطابقت تصویری وجود دارد، اما در شاهنامه شاه تهماسبی از وضوح کامل برخوردار نیست. هم‌چنین با تطبیق نگاره‌های نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس با شاهنامه بایسنقری در عهد تیموری (یک سده قبل از نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس)، چنین بالا پوشی برای اسبان مشاهده نمی‌شود و تنها تکه‌ای پارچه روی اسبان انداخته شده است؛ این می‌تواند بیانگر آن باشد که نگارگر به طور غیرمستقیم به تغییر سلاح‌های جنگی و نوع جنگ‌ها که از تن به تن بودن فاصله گرفته و مجهز شدن به توپ و توپخانه و اسلحه گرم شدن سپاهیان ملت‌ها اشاره کرده باشد. «بنابر گزارش دالسانداری، در زمان تهماسب ۶۰۰۰ سوار و قورچی وجود داشت که آنان را قزلباش می‌نامیدند. آن‌ها علاوه بر کمان و شمشیر، دارای اسلحه گرم نیز بودند» (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۳۴). تأسیس توپخانه نیز به زمان فرار بایزید عثمانی به دربار ایران می‌رسد.

از «تاج حیدری» یا «تاج کلاه قزلباش» دوره صفویه است. «در رأس این کلاه خود دوازده قطعه چوب میزانه نصب شده، قزلباشان در جنگ‌ها به وسیله پرچم‌های کوچک قرمزی که روی چوب میزانه تصب شده بود و یا توسط روبان‌های قرمزی که اطراف لوله کوچکی که بالای چوب میزانه تو خالی قرار می‌گرفت شناخته می‌شدند. قسمت اصلی کلاه خود، شیاردار است و با فولاد دمشقی ساخته شده و روی شیارهای آن طلا به کار رفته، کتیبه‌ای شکل نوار، دور تادور این کلاه خود نگاشته شده که ارتفاع آن ۱/۸ سانتی‌متر است و نیز دو آیه قرآن بر روی سلاح وزره حک شده و... به دنبال آن، یا محمد، یا علی» (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۵۰) (تصویر ۱۳). خصوصیات ذکر شده با کلاه خود میله بلند مزین به نوار قرمز دور آن در نگاره «دیدار کیقباد با سپاهیان رستم» هماهنگ می‌باشد (تصویر ۱۴)؛ بنابراین مشهود است که نگارگران نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس در پی شبیه‌سازی فرم لباس جنگاوران با فرم پوشش زمانه خود بوده‌اند.



تصویر ۱۳ (سمت راست): کلاه خود صفوی (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۵۱).  
تصویر ۱۴ (سمت چپ): کلاه خود با گردن‌پوش، نگاره ۷، برگ: ۷۵۹.  
(<http://www.bnf>).

جدول ۲: تنوع پوشاک جنگاوران در نگاره‌های نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس (نگارندگان، ۱۳۹۷).

جنگجویان					تنوع پوشاک نبرد پیاده نظام	تجهیزات
اولاد دیو	رستم	فرماندهان	سواره نظام			
-	-	✓	✓	✓	کلاه خود گوش‌پوش‌دار	
-	-	✓	✓	✓	کلاه خود با گردن‌پوش	
-	✓	✓	-	-	کلاه خود با میله بلند قزلباش	
✓	-	✓	-	✓	کلاه خود ترکیبی	
-	-	✓	✓	✓	کلاه خود با پرچم	
-	-	✓	✓	✓	کلاه خود با تک جقه	
-	-	✓	-	-	کلاه خود با رشته موی آویزان	
-	✓	-	-	-	کلاه خود با مجسمه حیوانات	
-	✓	-	-	-	بدون کلاه خود و سرپوش نبرد	



✓	✓	✓	✓	✓	ساعدبند	۳ ۳ ۳
✓	✓	✓	✓	-	ساق پوش	
-	-	✓	✓	✓	شانه پوش	
✓	✓	-	-	-	زره پوش - خفتان	
	✓	-	-	-	تن پوش با پوشش حیوانات	
✓	✓	✓	✓	✓	پیراهن رو	
-	✓	✓	✓	✓	پیراهن زیر	
✓	✓	✓	✓	✓	شلوار رو	
✓	✓	✓	✓	✓	کمر بند	
-	✓	✓	✓	✓	بدون تن پوش نبرد	
-	✓	✓	-	-	قبا	

مورد استفاده همه جنگاوران قرار گرفته اما ساق پوش تنها بر پای سوار بر اسبان یا جنگاوری که در کنار اسب ایستاده مشاهده می شود. به طور کلی نگارگر تنها برای رستم و اولاد پوشش خاص را طراحی کرده و با الگوی مشترک پوششی نمایان ساخته است. در مورد تن پوش غیر نبرد نیز، میان شخصیت ها الگوی مشترک دیده می شود و تنها قبا است که خاصه افراد والامقام در شرفیابی به حضور بزرگان می باشد.

#### نتیجه گیری

اختصاص یافتن ۴۹ نگاره از ۷۰ نگاره شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس جهت نمایش طبقه جنگاوران، ارزش و مقام درخور توجه نگارگر و سفارش دهندگان نسخه را به جنگجویان و دلاوری های آنان نشان می دهد. نتایج پژوهش نشانگر این هستند که پوشاک جنگاوراندر شاهنامه ۹۵۳ پاریس، کمترین شباهت را به پوشش جنگجویان صفوی دارد و در آن خبری از تنوع پوشش سر و مناصب نظامی عصر صفوی نیست! این امر نمی تواند دلیلی بر ناآگاهی نگارگر به پوشش جنگاوران صفوی باشد بلکه دلیلی بر تأثیر نگارگری روایی دارد؛ نمونه کاملاً مشهود آن را می توان در پوشش رستم و بربریان و کلاه کله پلنگی رستم مشاهده نمود. همانطور که پیشتر نیز ذکر شد تعدادی از نگاره ها، دیدار شاه با جنگاوران را نمایش می دهند. جنگاور در کنار پوشش نبرد خود، قبای درباری نیز بر تن دارد، بنابراین نگارگر، جنگاور را هم چون فردی درباری دارای منزلت و مرتبه والا دانسته است. جامعیت نگاره ها به

با توجه به جدول فوق، مشهود است که تمامی گروه جنگاوران، با فرم های متنوع سرپوش به تصویر کشیده شده اند که عموماً تزیینات پرچم و تک جقه به همراه را دارند. لازم به ذکر است که تنها رستم در داستان نبردش با پیل سفید، بدون سرپوش نبرد دیده می شود و دلیل آن با توجه به اصل داستان در شاهنامه، می توان سن کم و کم تجربه گی وی در رویارویی با وقایع یا غیرمنتظره بودن اتفاق را برداشت نمود. در ادامه باید ذکر کرد که تزییناتی چون رشته موی و یا میله کلاه قزلباش ظاهراً خاصه فرماندهان بوده که رستم نیز در این جایگاه قرار می گیرد. نکته دیگر در پوشش سر رستم، کلاه خود با فرم مجسمه حیوان است که بر سر هیچ یک از جنگاوران این نسخه مشاهده نمی شود و با ارجاع به داستان رستم در شاهنامه خاصه شخصیت رستم می باشد و نگارگر نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس با اشراف به داستان رستم پوشش سر او را طراحی کرده و این نکته در فرم پوشش خفتان پوست مانند او نیز وجود دارد. به جز رستم در نسخه مزبور، اولاد دیو نیز با خفتانی خاص بر تن به نمایش درآمده و از آنجا که هیچ یک از پیکره ها خفتان یا زره ندارند می توان چنین استنباط کرد که نگارگر شخصیت ویژه ای برای اولاد قائل شده که می تواند هم از منظر قدرت و هم از منظر شخصیتی وی به جهت کمک او به رستم باشد که خود پژوهشی جدا را می طلبد. در تن پوش های دیگر نبرد هم چون شانه پوش باید ذکر کرد که همه جنگاوران به جز رستم و اولاد در برخی از نگاره ها بر تن دارند و گاهی خیر. نکته دیگر ساعدبند است که این نیز گاهی

را گنجانده است تا بیننده ریزبین بر اوضاع سیاسی و نظامی قرن دهم هجری آگاه شود.

با بررسی پوشاک جنگاوران نسخه ۹۵۳ ه.ق آشکار می‌شود که تصویرگری پوشاک، تنها جلوه‌ای تصویری نداشته بلکه بازتابی از وقایع اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشد؛ بنابراین پوشاک هم‌چون ابزاری در جهت ارائه مقصود نگارگر استفاده شده است. این نکته نشان از آن دارد که هنر مفهومی و نشانه‌شناسی هنر و پوشاک تنها مربوط به قرون اخیر نبوده، بلکه نگارگران مکتب تبریز صفوی در بستر محدود ارتباطات نیز، آگاهانه از آن بهره برده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- «رانی» همانند دو ساق‌پوشی بود که روی شلوار پوشیده می‌شد و در قسمت پشت بدن به کمر متصل می‌گردید و ابزار جنگی را به کمر بند آویزان می‌کردند. (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۷۳).
- ۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «رزمنامه کنیزک» (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵: ۲۵۴-۲۵۰).

### فهرست منابع

- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۵) *رزمنامه کنیزک*. کانون فردوسی ج ۶. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- بنیادی، مهدی. (۱۳۸۹). *سنگ‌نگاره‌های ساسانی*. تهران: آبان.
- جعفرپور، میلاد و مهیار علوی مقدم. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی عناصر آئینی و جنگاوری در شاهنامه و سمک عیار*. جستارهای ادبی. (۱۷۵) ۵۱-۸۴.
- جعفری‌دهقی، محمود. (۱۳۹۳). *پوشش و آرایش در ایران باستان، در تاریخ جامع ایران*. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۴. ۲۲۹-۴۲۱.
- چمن‌آرا، بهروز. (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل آخر خوش شاهنامه با تأکید بر مبانی سنت شفاهی روایات حماسی*. جستارهای ادبی. (۱۸۸) ۱-۱۴.
- چیت‌ساز، محمدرضا. (۱۳۹۳). *تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا قاجار، در تاریخ جامع ایران*. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۹. ۵۲۱-۶۶۶.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه دلاواله*. مترجم: شجاع‌الدین

صحنه‌های مختلف نبرد چون نبرد لشگر با لشگر، انسان با انسان و انسان با حیوان می‌تواند نمادی از درگیری‌های داخلی و خارجی قلمرو حکومتی باشد که به قدرت جنگاوران پیوند می‌خورد و یادآور قدرت بالای جنگاوران در برقراری آرامش و ثبات نظامی در داخل و خارج مرزهای سیاسی باشد. نگارگر کلاه‌خود را به عنوان پوشش سر شناخته شده برای جنگاوران، بر سر فرمانده و سرباز گذاشته و همه آن‌ها را به یک چشم دیده و میان آن‌ها هیچ تمایزی قائل نگشته؛ این نکته، نشان درایت نگارگر است، زیرا به شکلی نمادین به سربازان نیز احترام گذاشته تا سربازان با وفاداری بیشتر به درباری که برای سربازان احترام و منزلت قائل‌اند، خدمت کنند. در ضمن یکپارچگی پوشش به تصویر درآمده، در بردارنده آن نیز است که هدف نمایش مناصب نظامی و پوشش واقعی جنگاوران صفوی نبوده و تنها قدرت نظامی مد نظر بوده است. هنرمند در محدوده تصویر سعی بر آن داشته تا حداکثر مقصود خود را بگنجد و به همین دلیل از بالاپوش اسبان نیز به شکلی نمادین استفاده کرده است. او آینه‌ای از رویدادهای جنگی قرن دهم را ارائه می‌دهد تا بیننده، به دگرگونی نبردها آگاه شود و مجهز شدن به توپخانه و استفاده از سلاح گرم را به شکلی سمبولیک در بالاپوش کامل پیکره اسبان نشان می‌دهد.

در پرتو آن چه ذکر شد چنین استنباط می‌شود که نگارگر با آنکه سعی بر آن داشته تا اجتماع سیاسی و نظامی زمان خود را به تصویر کشد، از داستان‌های شاهنامه و مضمون آن‌ها نیز دور نشده است. وی رستم را از نوجوانی تا مرگ به تصویر در می‌آورد و با آگاهی از پوشش نبرد وی با او در مسیر زندگی همگام می‌شود؛ در ناکامی او شریک می‌گردد و با چشمان آگاهی که به کلاه می‌دهد تا لحظه مرگ پهلوان در کنار او می‌ماند. این نکته در مورد دیگر اسطوره‌های شاهنامه نیز هم‌چون اسفندیار صدق می‌کند؛ بنابراین نگارگر چندین عمل را در یک نسخه انجام داده است. ظاهراً وی عالم به بخش حماسی شاهنامه می‌باشد. در کنار آفرینش هنری خود از نگارگری روایی و هنر نگارگران پیش از خود نیز بهره برده است. او در بطن هنر خود، از نمادگرایی در جهت بیان مفاهیم بهره برده و نمادگرایی را به اوج خود رسانده و در محدوده نگاره‌های شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس حداکثر مفاهیم

- معین، محمد. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی*. تک جلدی. تهران: نهال نویدان.
- نقوی، منیره سادات و محسن مراثی. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان. *مطالعات تطبیقی هنر*. ۳ (۲)-۱۰-۱۷.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۹۶). *زگفتار دهقان، شاهنامه فردوسی به نثر*. تهران: توس.
- Diba, Layla. (1996). "clothing x. in the safavid and Qajar periods" *Encyclopadia Iranica*, V/ 8, pp.785-808, avai able online at <http://www. Iranica online. Ovg/ articles/ clothing x> (accessed on 30 December 2012).
- Gropp, Berd. (1996). "clothing v. in pre Eslamic Etern Iran" *Encyclopadia Iranica*. V/ 7, pp752 - 754.
- Sims, Eleanor. (1996). "Clothing ix. In the Mongol and Timurid periods," *Encyclopadia Iranica*, V/ 8, pp.778-784, available online at <http://www. Iranica online. Ovg/ articles/ clothing ix> (accessed on 30 December 2012).
- <https://www.vadiye.com/2018,18 May/16:30> / جمعه / ۱۶:۳۰
- <https://www.kar-online.com/node/396> / اکتبر / سه‌شنبه، ۱۹:۴۶ / ۲۰۱۱، ۲۵
- <http://www.bnf.fr13,2018> / یکشنبه / May / کتابخانه ملی پاریس / ۱۵:۰۰ /
- شفا. تهران: علمی فرهنگی.
- دیاکونوف، ا. م. (۱۳۴۵). *تاریخ ماد*. مترجم: کریم کشاورز. تهران: پیام.
- رومی، ه. ر. (۱۳۸۴). *تاریخ ایران دوره صفویان (پژوهش دانشگاه کمبریج)*. مترجم: یعقوب آژند. تهران: جامی.
- ریشار، فرانسیس. (۱۳۸۳). *جلوه‌های هنر پارسی*. مترجم: عبدالمحمد روح بخشان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زارعی، محمدابراهیم و مریم دولتی. (۱۳۹۶). بررسی پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا قاجار، نگره ۱۲ (۴۴)-۷۱-۸۳.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *تاریخ ایران در عصر اسلامی*. در *تاریخ جامع ایران*. در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۰. ۵۳۰-۵۴۴.
- سرخوش کرتیس، وستا. (۱۳۷۳). *اسطوره‌های ایرانی*. مترجم: عباس مخبر. تهران: مرکز.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). *هنر دربارهای ایران*. مترجم: ناهید محمد شمیرانی. تهران: کارنگ.
- سودآور، لیلیا. (۱۳۸۳). پوشاک صفویان و قاجاریان. مترجم: پیمان متین. چاپ شده در مجموعه مقالات پوشاک در ایران زمین. ۱۹۳-۲۳۶.
- سیوری، راجر. م. (۱۳۸۲). *تحقیقاتی در تاریخ عصر صفوی*. مترجم: عباسقلی غفاری فرد و محمدباقر آرام. تهران: امیرکبیر.
- سیوری، ر. م. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران دوره صفویان پژوهشی در دانشگاه کمبریج*. مترجم: دکتر یعقوب آژند. تهران: جامی.
- شاردن. (۱۳۷۴). *سفرنامه شاردن*. ج ۳. مترجم: اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شوستر والسر، سیبیل. (۱۳۶۴). *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان*. مترجم: غلامرضا وهرام. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۵۰). *شاهنامه بایسنقری به سفارش محمدرضاشاه پهلوی*. تهران.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*. مترجم: کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- صادقی، زهرا. (۱۳۹۲). *تاریخ ایران در عصر صفوی*. تهران: پارسه.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۷). *هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.

## Reviews and Analysis of the Warriors' Clothing in the Images of Shahnameh Ferdowsi 953H., Paris\*

Nafiseh Zamani<sup>1</sup>, Farzaneh Farrokhfar<sup>2</sup>

1- M.A. in Art research, University of Neyshabur (Corresponding Author)

2- PhD. in Art Research, Assistant Professor at Faculty of Art, University of Neyshabur

### Abstract

In the history of Iran fighters have always been considered as an important social class. The research in the form of warriors' clothing provides information that is useful in historical and sociological studies and is also used in the field of applied and dramatic arts. The 953 AH edition of the National Library of Paris is one of the largest and most widely used versions of figurines, created by the best painters, and most of the paintings belong to the warrior class. Examining the clothing depicted in these images can reveal not only the pattern of Safavid-era war clothing, but also the tradition of painting, and other factors that have influenced clothing's illustrations. The overall results of the research indicated that narrative painting has played a significant role in showing the costumes of warriors in the epic scenes of the Shahnameh, and painters have used clothing as a symbol to show the political and military situation. The present article was a fundamental-applied research in terms of nature. In terms of method, it was a historical-analytical research, and the method of data collection was a library-documentary one.

**Key words:** Safavid, Painting, Shahnameh 953 AH, Clothing, Warriors.

---

1- Email: N.z3668@gmail.com

2- Email: farrokhfar@neyshabur.ac.ir

\*(Date Received: 2019/05/19 - Date Accepted: 2019/12/09)

This article is based on master's thesis of art research entitle of "analysis of the warriors' clothing in the image of shahnameh ferdowsi 953 h ,paris" which is done by nafiseh zamani in 2017 at university of neyshabur under supervision of dr. farzaneh farrokhfar